

عنوان:

حقوق تجارت ایران از دیدگاه بین الملل

نویسنده مسئول: دکتر محمدرضا حاکم زاده^۱

حمید عقیلی:^۲

رضا الهامی:^۳

چکیده:

حقوق تجارت بین المللی به عنوان یک نظام حقوقی نوظهور در حوزه روابط تجاری شکل گرفته است. این نظام حقوقی در مراحل اولیه تکامل خود به سر میبرد و هنوز تا نیل به استقلال کامل از نظامهای حقوق ملی و حقوق بین الملل فاصله بسیار دارد. وانگهی در دنیای بهم پیوسته امروزی استقلال را نمی توان به اغنا و بی نیازی مطلق تعبیر نمود. نظام حقوق تجارت فراملی همانند نظام حقوق بین الملل که در روند تکاملی خویش از امکانات داخلی بهره بسیار برده است، نمی تواند مسیر پیش رویش را بدون چنین مناسباتی طی کند. به عبارت دیگر، اگرچه حقوق تجارت فراملی ساختار حقوقی ثالثی است که در کنار نظام حقوق ملی و بین المللی وجود دارد اما با آنها در تعامل است و از ظرفیتهای این دو نظام حقوقی منتفع می شود.

از طرف دیگر حقوق بین الملل نیز پیوسته در حال تکامل بوده و تحت تاثیر ابزار قدرتمند جهانی شدن تحول یافته است، تا جایی که امروزه میتوان قائل به شکل گیری نسخه تحول یافته و جهانی شده ی آن بود، حقوقی که مرزهای سنتی را در نوردیده و از حالت سیاسی و بین الدولی صرف خارج شده است حقوق بین الملل در نسخه مدرن خود توسعه یافته و حوزه های مختلفی را تحت تاثیر قرار میدهد و متقابلا از آنها تاثیر می پذیرد. بر این اساس، در این پژوهش سعی داریم تا ابتدا تحولات تجارت بین الملل ایران و جهان را بشناسیم و از رهگذر این مطالب در یابیم که حقوق بین الملل جهانی شده چگونه و با چه ابزار موثری حقوق تجارت ملی و فراملی را متاثر می کند.

کلمات کلیدی: تجارت، بین الملل، جهانی شدن، حقوق بین الملل، ایران، جهان

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین الملل دانشگاه تهران

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین الملل دانشگاه تهران

مقدمه

با گسترش تعاملات اقتصادی کشورهای مختلف جهان و افزایش وابستگیهای آنان حجم مبادلات تجاری میان آنها افزایش یافته که در قالب تجارت بین الملل نمود یافته است. هر چه حجم مبادلات کشورها بیشتر باشد میزان ارتباط و وابستگی میان آنها افزایش می یابد و فرآیند ادغام اقتصادی و روند جهانی شدن اقتصاد تسهیل می شود. جهانی شدن تجارت یکی از عواملی است که می تواند حاکمیت ملی دولتها خصوصاً دولتهای در حال توسعه را با فرسایش و محدودیت در سطح داخلی و خارجی و بین المللی روبرو سازد چنین محدودیتهایی گرچه دولتها را در ابتدا با تنگناهایی روبرو می سازد اما در دراز مدت و با تقویت اقتصاد ملی می توان از این پدیده به عنوان فرصتی جهت بازسازی اقتصادی کشور و افزایش سطح رفاه عمومی استفاده نمود. این پدیده به شکل موجود آن گرچه عمدتاً منافع کشورهای پیشرفته را تأمین می کند، لیکن کشور ایران نیز که یک کشور در حال توسعه است می تواند با شفاف کردن سیاستهای اقتصادی برای فعالیت تولید کنندگان و ایجاد سازگاری بین سیاستهای کلان اقتصادی و هماهنگ سازی این سیاستها با سیاستهای بین المللی فراهم کردن زمینه ی رقابت در تمامی عرصه های، اقتصادی ایجاد زیر ساختهای لازم برای تکنولوژی وارداتی و اتخاذ یک استراتژی بلند مدت برای توسعه و استفاده از مزیتهای نسبی خود را برای رویارویی با چالشهای جهانی شدن اقتصاد مهیا سازد .

امروزه، با ظهور فزاینده ی بازیگران غیر دولتی در عرصه بین المللی و همچنین با شکل گیری روش های نوین قاعده سازی و ازدیاد هنجارها در حقوق بین الملل، قلمرو نفوذ و اثر گذاری حقوق بین الملل گسترش یافته و ارتباط آن با سایر حوزه های حقوقی از جمله حقوق تجارت بین المللی بیشتر شده است. حقوق تجارت بین المللی یک نظام حقوقی در حال نضج در عرصه ی روابط تجاری است که به اقتضاء ماهیت فراملی اش، ناگزیر با نظام حقوق بین الملل در تعامل است به بیانی دیگر، بازیگران حقوق بین الملل با بهره گیری از منابع حقوق بین الملل نظیر کنوانسیون های بین المللی، اصول کلی حقوقی و همچنین حقوق نرم، به تدوین، بین المللی سازی، توسعه، یکسان سازی و نوسازی هنجارهای تجارت بین المللی پرداخته و از این طریق موجبات

تکامل و انسجام حقوق تجارت بین المللی را فراهم نموده اند. (روزت، ۱۹۹۲: ۶۸۳)

جهانی شدن پدیده ای پیچیده و چند بعدی است و حوزه های مختلفی را متأثر نموده که یکی از این حوزه ها حقوق بین الملل است. حقوق بین الملل به عنوان حقوق حاکم بر جامعه بین المللی از جریان بی وقفه ی جهانی شدن عقب نمانده و در حال تغییر و دگرگونی تدریجی است. در پرتو تحولات حاصل از پدیده جهانی شدن، نظام سنتی حقوق بین الملل به ویژه در حوزه حقوق تجارت متحول شده و عرصه حضور و مداخله آن به طرز قابل توجهی توسعه یافته است. بدین ترتیب ممکن است پدیده ای که در گذشته به قلمرو حقوق داخلی تعلق داشت، هم اکنون از دیدگاه حقوق بین الملل بررسی و نظارت شود.

اصطلاح جهانی شدن به معنای عام آن برای نخستین بار در سال ۱۹۷۰ توسط مارشال مک لوهان به کار گرفته شد. مک لوهان پیش بینی کرده بود که پیشرفت ارتباطات دهکده ای جهانی متشکل از آحاد بشر و پراکنده در پنج قاره را ایجاد خواهد کرد. (رجایی، ۱۳۸۲، ص ۲۷)

با گسترش وسایل ارتباط از راه دور جهان رو به کوچکی و بی مرزی پیش می رود و دهکده جهانی مک لوهان در حال تحقق است پایان جنگ سرد و انهدام نظام دو قطبی بلوک شرق و غرب مسیر جهانی شدن را هموارتر نمود و اقتدار دولتها هر چه بیشتر تحت تاثیر عوامل متعددی مانند انقلاب در ارتباطات و اطلاعات تحولات تکنولوژی شرکتهای چند ملیتی، سازمانها و سایر بازیگران غیر دولتی قرار گرفت. (اشرافی، اسلامی، ۱۳۹۶، ص ۲).

عواملی از قبیل کاهش موانع، تجاری افزایش سریع وابستگی اقتصادی کشورها به یکدیگر، رشد بی سابقه شرکتهای چند ملیتی، توسعه شبکه های تولید و توزیع کالا و خدمات، گسترش فناوری های جدید ارتباطی، تغییر در ماهیت و شکل نیروی کار و نهایتاً به وجود آمدن نقش آفرینان جدید در صحنه های بین المللی مانند سازمانهای فرامرزی را می توان در زمره عواملی دانست که در امر جهانی شدن دخالت دارند.

در رابطه با ارائه تعریفی جامع و مانع از پدیده متناقض و پیچیده جهانی شدن میان صاحب نظران و اندیشمندان اتفاق نظر وجود ندارد و هر دسته از آنان به تناسب برداشت خود از این پدیده و با توجه به پیش فرض های

ذهنی خود تعریف خاصی از این پدیده ارائه داده اند. با این حال میتوان جهانی شدن را به عنوان یکی از برجسته ترین پدیده های قرن بیستم پدیده ای پیچیده و چند بعدی دانست و به عنوان فرآیندی از تحول توصیف نمود که مرزهای سیاسی و اقتصادی را کمرنگ میکند و تعامل را در حوزه های مختلف، اجتماعی اقتصادی، حقوقی، فرهنگی و ... در فراسوی مرزها گسترش می دهد. بر اساس شاخص جدید جهانی شدن KOF که توسط مؤسسه اقتصادی KOF در سوئیس ارائه شده است، جهانی شدن پدیده ای پیچیده و چند وجهی است که با کم رنگ مرزهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... نظام های ملی را در هم ادغام میکند و با ایجاد شبکه ای از روابط پیچیده منجر به وابستگی متقابل میشود (هلگ و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۵)

۲-۱- مهم ترین ابعاد جهانی شدن تجارت

در دنیای کنونی، جهانی شدن پدیده ای چند بعدی است که ماهیت پیچیده ای دارد به نحوی که میتوان گفت در عمل با جهانی شدنهای متعددی مواجه هستیم که بعضا با یکدیگر در تعامل هستند با مراجعه به تعاریف موجود از این مفهوم پیچیده ملاحظه میشود که جهانی شدن در ابعاد مختلف اقتصادی، "سیاسی"، "فرهنگی"، "اجتماعی"، "حقوقی"، "ارتباطی"، "تکنولوژی" و "زیست محیطی" قابل تعمق است. از میان ابعاد جهانی شدن ابعاد اقتصادی اجتماعی و سیاسی دارای اهمیت ویژه ای است و سایر ابعاد به نوعی به آنها مربوط می شوند در بسیاری از تعاریف ارائه شده در خصوص مفهوم جهانی شدن بعد اقتصادی "غلبه دارد؛ برای مثال در تعریفی که از سوی صندوق بین المللی پول در سال ۲۰۰۲ منتشر شده است جهانی شدن بیانگر همکاری اقتصادی فزاینده کلیه کشورهای جهان از طریق افزایش حجم معاملات جریان سرمایه های بین المللی و سهولت دسترسی به آن در تمام مناطق دنیا میباشد مطابق تعریف فوق، صندوق بین المللی پول، "تجارت"، سرمایه گذاری"، "مهاجرت و گسترش علم را به عنوان چهار جنبه اساسی جهانی شدن بر می شمارد. (کوترلا، ۲۰۱۲، ص ۱۳۹)

علاوه بر این اندیشمندان حوزه سیاست و بسیاری از متون مربوط به علوم سیاسی، قائل به بعد سیاسی جهانی شدن هستند و جهانی شدن سیاست را علت رد مدل وستفالی و حاکمیت مطلق دولت کشورها در روابط بین

المللی می دانند. به علاوه از نگاه برخی دیگر از نویسندگان، جهانی شدن اساسا با جهانی شدن حقوق بشر آغاز می گردد. برخی محققان بعد "فرهنگی جهانی شدن را به عنوان مهمترین وجه بعد اجتماعی"، مورد توجه قرار داده و آن را به معنای ادغام فرهنگهای مختلف و پیروی بشر از الگوهای فرهنگی یکسان در سراسر جهان میدانند در این میان می توان شاهد دیدگاه های متعددی بود که جهانی شدن فرهنگی را مترادف با غربی شدن یا آمریکایی شدن فرهنگ ها می پندارند (هلگ و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۸).

۳-۱- جهانی شدن اقتصاد

منطق جهانی شدن اساسا در منطق سرمایه داری یعنی حفظ و بسط فرایند تکاثر سرمایه ریشه دارد و از این رو اقتصاد در جبهه مقدم فرایند جهانی شدن قرار می گیرد. از طرف دیگر، پر واضح است که بعد اقتصادی به علت تقدم زمانی وقوع آن نسبت به سایر ابعاد و جنبه های جهانی شدن از تکامل یافتگی بیشتری برخوردار است؛ لذا به نظر میرسد مقوله ً جهانی شدن بیشتر از منظر اقتصادی نگریده می شود و عمده ترین و بحث برانگیزترین بعد آن را می توان در تاثیر این پدیده بر اقتصاد دانست توسعه فعالیت های اقتصادی مبتنی بر سرمایه داری، امروز در تمام دنیا بسط یافته است و اقتصادی به واقع جهان گستر به وجود آورده است. چنین اقتصادی حتی در درون کشورهای سوسیالیستی رسوخ کرده و اثر اقتصاد دولتی را به حداقل ممکن رسانده است (سعیدی، ۱۳۸۵، ص ۴۳).

از همین روی است که بسیاری از محققان معتقدند که جهانی شدن اقتصاد با آزاد سازی تجارت گره خورده است. "جهانی شدن اقتصاد" به عنوان برجسته ترین بعد این فرآیند تحولی از تبدیل جهان به جهانی بدون مرزهای اقتصادی خبر میدهد جهانی که نظامهای اقتصادی آن در حال ادغام شدن برای رسیدن به یک نظام اقتصادی واحد با ماهیت غیر دولتی و جهانی هستند به عبارت دیگر تحت تاثیر تحولات حاصل از جهانی شدن، واحدها و بنگاه های اقتصادی به مرحله ای از تکامل و اغنا میرسند که خود را از دولتهای ملی مستقل و بی نیاز می دانند (میر محمدی همان، ص ۵) این نظام اقتصادی جدید الزاما فرآیند هنجار سازی حقوقی را متأثر می کند (برگر، ۲۰۰۱، ص ۲)، به این معنا که که قوانین حاکم بر معاملات تجاری برون مرزی نیز تغییر

کرده و به سمت اتحادی فراملی پیش رفته است (استریو، ۲۰۰۸، ص ۲۳۹) به عبارت دیگر جهانی سازی و بین المللی کردن، اقتصاد، ضرورت وجود قانونی متحدالشکل با خصوصیت فراملی و جهانی را نمایان ساخته است (ساپوتلی، ۲۰۱۸، ص ۱)

در چنین فضایی طرفین تعاملات تجاری فراملی جهت تضمین هر چه بیشتر منافع خویش در انتخاب رژیم حقوقی حاکم بر روابط قراردادی شان اغلب به دنبال مقرراتی یکسان با منشا فراملی و غیر دولتی هستند. به بر همین اساس، امروزه شاهد توسعه ی هنجارهای فراملی به منظور ایجاد یک چهارچوب حقوقی مناسب برای تجارت جهانی شده هستیم.

۴-۱- جهانی شدن حقوق

این یک واقعیت انکار ناپذیر است که حقوق به عنوان یکی از شاخه های علوم انسانی و اجتماعی، جدای از اجتماع نبوده و از آن تاثیر می پذیرد لذا نمی تواند نسبت به تحولات اجتماعی بی تفاوت باشد. از اوایل دهه نود قرن بیستم میلادی، "حقوق" نیز مانند بسیاری از علوم جهانی شدن را به رسمیت شناخت و تاثیرات آن را پذیرفت. منظور از جهان ی شدن حقوق اعمال نظم حقوقی یکسان بر تمام افراد بشر نیست، بلکه شناسایی عناصر مشترک حقوقی و توافق بر اشتراکات فرامکانی با به رسمیت شناختن تفاوت های محلی و فردی است (شهابی، رحمتی فر، ۱۳۹۲، ص ۲). به عبارت دیگر جهانی شدن حقوق به فرآیندی اطلاق میشود که به متحدالشکل سازی و یکسان سازی مفاهیم اصول و هنجارهای حقوقی در سطح جهانی می انجامد و نقش عمده ای در تحول نظامهای حقوقی ملی، بین المللی و فراملی ایفا نموده است. (جلالی، مقامی ۱۳۹۰، ص ۹۸) از آنجا که حقوق، عمدتاً قلمرو اعمال اقتدار حاکمیت ها است و دولت ها مهمترین بازیگران میدان حقوق هستند، حقوق حاکم بر عرصه جهانی لاجرم ماهیتی بین الدولی دارد. اگر که قائل به این حقیقت باشیم که تا این زمان، حقوق با پدیده بین الدولی شدن مواجه بوده و از ملی گرایی فاصله گرفته است اما نمی توان این واقعیت را نیز نادیده انگاشت که فرآیند جهانی شدن به تدریج در حال در هم کوبیدن مرزهای حقوقی است. در این برهه زمانی، می توان مشاهده نمود که تحت تاثیر تحولات جهانی شدن نهادها و هنجارهای حقوقی جدیدی

شکل گرفته اند که از انحصار دولت ها خارج بوده و ماهیتی جهانی یا فراملی دارند با بررسی متون مربوط به

"جهانی شدن حقوق" یا "حکمرانی جهانی"، می توان سه ویژگی برای این فرآیند تحولی بر شمرد:

۱- تنوع روشهای تصمیم گیری و نهادسازی در زمینه های مختلف فنی و اجرائی

۲- تعدد سازوکارهای تضمین اجرای مقررات حقوقی؛

۳- نقش فزاینده ی بازیگران غیر دولتی و زیر دولتی

شایان توجه است که در میان حوزه های مختلف حقوقی حقوق تجارت سریع تر از بخشها، جهانی شدن را تجربه کرده است، به حدی که جهانی شدن حقوق تجارت یکی از مصادیق مهم این جنبش در قرن حاضر است. علت این پیشی گرفتن آن است که کشورها زودتر به استقبال، قواعد مقررات و رویه های متحدالشکل تجاری رفتند و با هدف کسب منافع اقتصادی بیشتر، پذیرای این قبیل مقررات شدند. به بیان دیگر، با توسعه روابط تجاری فرامرزی بعد از انقلاب صنعتی و تشکیل بازارهای جهانی دولتها برای ورود به این عرصه خود را ملزم به اعمال تغییراتی در قوانین مقررات و سیاستهای اقتصادی خود دیدند و تعهدات بین المللی متعددی را پذیرفتند (وانگ، ۲۰۰۴، ص ۴۷۷)

امروزه متصدیان تجاری بزرگ یا حتی متوسط دیگر تنها با شرکای داخلی یا منطقه ای روبه رو نمی شوند، بلکه غالبا در حال تجارت برون مرزی با موسسات خارجی هستند و در بازارهای جهانی عمل می کنند. این اقتصاد جدید " الزاما فرآیند هنجار سازی حقوقی را متأثر می کند. (برگر، ۲۰۰۱، ص ۲)

بدین معنا که قوانین حاکم بر معاملات تجاری برون مرزی نیز تغییر کرده است طرفین چنین تعاملاتی برای انتخاب رژیم حقوقی حاکم بر روابط قراردادی خویش، صرفا با قوانین ملی مواجه نیستند، بلکه اغلب برای تضمین هرچه بیشتر منافع، به دنبال مقرراتی با منشا فراملی و غیر دولتی هستند که قابلیت تنظیم معاملات برون مرزی را داشته باشد (استریو، ۲۰۰۸، ص ۲۳۹).

بنابراین امروزه میتوان شاهد توسعه ی هنجارهای فراملی بود که به دنبال ایجاد یک چهارچوب حقوقی مناسب برای دنیای تجارت جهانی شده هستند متقابلا با پیشرفت روزافزون تجارت جهانی تعداد و تنوع بازیگران این

عرصه نیز گسترش قابل توجهی داشته است. برای مثال بر خلاف گذشته که تنها دولت‌ها قادر به انعقاد معاهدات تجاری بودند، در عصر حاضر معاهدات تجاری مستقیماً میان دولت‌ها و سرمایه گذاران خصوصی خارجی منعقد می شود.

۵-۱- جایگاه ایران در اقتصاد بین الملل

جوهره جهانی شدن برای کشورهایی چون ایران را فرآیند تولید، کالا یا همترازی و همسانی فناوری و همزمانی تولید صنعتی تشکیل میدهد. بدیهی است در ایران علیرغم باب شدن عبارت «جهانی شدن هنوز نیازمند گام‌های مؤثری در جهت درک معنا و توجه به آن در راهبردهای توسعه هستیم. به همین دلیل یکی از آفات نظری درک نادرست از جهانی شدن (مشابه درک نادرست از سیاست های تعدیل در ده پانزده سال پیش در شکل تلخیص آن به نمونه هایی چون گسترش آزادانه تجارت و بازارهای مالی و تعجیل برای هم نشینی با بزرگان در این زمینه هاست چنانکه در طرف دیگر جهانی شدن به توطئه یا ترفندی جدید برای فریب و غارت بیشتر و انحلال هویت و استقلال ملتها تقلیل داده می شود (طباطبایی، ۱۳۸۶، ص ۴)

جهانی شدن، به منزله جهانی شدن فرآیند تولید کالا فرصت تاریخی کشورهای پیرامونی برای تکمیل فرآیند صنعتی شدن است. در حالی که حتی کشورهای نفتی نیز در حال بهره گیری از این فرصت هستند سهم صادرات کشورهای در حال توسعه از ۳۴ درصد جهانی در سال ۱۹۸۰ به ۴۷ درصد در سال ۲۰۱۱ و واردات آنها از ۲۹ درصد به ۴۲ درصد جهانی رشد کرده است. در ایران سهم صادرات صنعتی از کل صادرات سیر نزولی داشته است. (WTO, ۲۰۱۲) اما معمولاً به جای بهره گیری از این فرصت تاریخی و آماده ساختن زیربنای اقتصادی و روبنای نهادی (حقوقی و سیاسی) برای حضور و مشارکت در فرآیند جهانی تولید، صنعتی در ایران از یکسو گشودن هر چه سریعتر بازارها برای واردات کالا (چون تولیدی برای صادرات وجود ندارد و از سوی دیگر انزوای کشور برای برکنار ماندن از آسیبهای جهانی شدن مطرح می شود. از لحاظ زیربنایی ایجاد شبکه‌های نوین ارتباطی به منزله زیربنای عصر اطلاعات و حضور سرمایه و فناوری خارجی باید در دستور کار باشد تا با فشردگی زمان و مکان امکان همسانی فناوری و همزمانی تولید کالا در ایران با جهان فراهم آید

چنان که از لحاظ حقوقی و سیاسی نیز باید زمینه حضور سرمایه خارجی برای فناوری پیشرفته و بازاریابی

مهیا گردد. (طباطبایی، ۱۳۸۶، ص ۵)

۱-۵-۱- هماهنگ سازی سیاستهای اقتصادی با سیاستهای سازمان مالی و بین المللی

یکی از رویکردهای اقتصادی خارجی در ج.ا.ا ارتباط بانک جهانی و صندوق بین المللی پول است. قبل از سال ۱۳۷۶ همکاری های فنی کارشناسی و مطالعاتی در جهت بهره گیری از تجارب بانک جهانی و توصیه های صندوق بین المللی پول و نیز اعطای کمکهای بلاعوض به ایران به طور محدود از سوی بانک جهانی ادامه یافت در سال ۱۳۷۶ نمایندگان اعزامی صندوق بین المللی پول از ایران بازدید کردند سیاست اقتصادی دولت ایران را مورد تأیید قرار داده و توصیه کردند که اصلاحات در زمینه تک نرخی کردن ارز بهبود بخشیدن ساختار تجارت خارجی و خصوصی سازی با سرعت بیشتری ادامه یابد. (ازغندی، ۱۳۸۱، ص ۳۹-۳۵)

سیاست دیگر در رابطه با سازمان تجارت جهانی میباشد. سازو کارهای موجود در سازمان تجارت جهانی تقویت تجارت آزاد در سطح جهان کمک میکند و هدف آن ادغام بیشتر اقتصادهای ملی در اقتصاد جهانی می باشد. این سازمان تأثیرات جدی را در زمینه سیاست گذاریهای اقتصادی و روابط تجاری بر کشورها الزام آور می کند. کشورها سیاست خارجی خود را با ضوابط این سازمان هماهنگ می کنند بدین صورت که اقتصاد بین الملل پس از تشکیل سازمان تجارت جهانی دارای ویژگی هایی شده است که سیاست گذاری کشورها را ناگزیر به تأثیرپذیری از آن مینماید. این ویژگی ها بر اساس اصل تجارت آزاد بر طرف کردن موانع موجود، تجاری همکاری های اقتصادی و تجاری و پایبندی به تعهدات بین المللی سیاستهای آزادسازی اقتصادی و تقویت همکاریهای اقتصادی و تجاری بین الملل می باشد (جوان، ۱۳۸۱، ص ۲۴۱)

ویژگی های فوق پایه های اصلی اقتصاد جهانی قرن فعلی را تشکیل میدهند و کشورها برای بقا و توسعه باید بیش از گذشته سیاست خارجی خود را در جهت مواجهه شدن با چنین نظام رقابتی مورد بازبینی قرار دهند نکته بسیار اساسی، تجربه کشورهای مختلف در ورود به سازمان تجارت جهانی میباشد که میتوان برای جمهوری اسلامی آموزنده باشد. برای نمونه به تجربه چند کشور اشاره می شود. فقدان ساختار نهادی مناسب

در اقتصاد کره جنوبی برای پیوستن به جهانی شدن و هجوم بدون مطالعه سرمایه گذاری خارجی به این کشور تجربه تلخی بود و اقتصاد کره در کوران جهانی شدن از مدیریت منضبط اقتصادی و اداری نیز محروم بود. چینی ها در پیوستن به سازمان تجارت جهانی تجربیات نسبتاً موفق دارند. آنها بسیار آرام و مطالعه شده وارد مراحل جهانی شدن شدند خصوصیت حرکت چینی ها در روند سرمایه گذاری خارجی نیز مهم است. آنها به گزینش خاصی از سرمایه گذاری خارجی اقدام کردند و تلاش نمودند در درجه اول از سرمایه داران چینی مقیم دیگر کشورها استفاده کنند و از سیاست آزمون و خطا درباره پول و ارز خودداری کنند. به همین دلیل در حال حاضر از منافع جهانی شدن به خوبی استفاده میکنند. استرالیا و نیوزلند نیز با نوعی روش گزینشی به فرآیند جهانی شدن پیوستند. هر دو کشور با شناسایی صنایع خود آنهایی را انتخاب کردند که از محصولات رقابت پذیری برخوردار بودند. (دادگر، ۱۳۸۳، ص ۸۹-۸۸)

ترکیه با اقتصادی متفاوت هیچ گاه اقتصادی بسته چون چین و هندوستان را تجربه نکرد ولی تا دو دهه پیش، صنایع آن قدرت رقابت با کشورهای پیشرفته را نداشت انجام اقدامات جدی در راستای آزادسازی اقتصاد ترکیه در سالهای دهه ۱۹۸۰، از جمله آزادسازی نرخ لیر و ایجاد مناطق آزاد و تحولات اساسی تعدیل ساختاری در دهه ۱۹۹۰، رشدی سریع را در آن کشور به دنبال داشت و به خاطر کسری بودجه تورم بالایی بر اقتصاد آن کشور تحمیل شد و به همین دلیل، بسیاری از اقتصاددانان ایرانی از ترکیه به عنوان مثالی برای عدم موفقیت سیاستهای آزادسازی اقتصادی نام میبردند، چرا که از دید این گروه تورم بالا نشانه عدم موفقیت بود ولی با ادامه هوشمندانه سیاستهای آزادسازی همراه با تعدیل ساختارهای اقتصادی در آن کشور، تورم کنترل شد و امروزه کشوری را در همسایگی خود داریم که نرخ تورم آن از ۴۵ درصد در سال ۲۰۰۳ به ۸ درصد در سال ۲۰۰۶ کاهش یافته است و مهم تر اینکه صادرات ترکیه با سرعت زیادی در حال رشد است و از این طریق نرخ افزایش تولید در آن کشور سرعتی قابل توجه پیدا کرد بهکیش دنیای اقتصاد ۸۶/۲/۷ جمهوری اسلامی ایران نیز در سال ۱۳۷۴ برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی درخواست عضویت داده است زیرا که عضویت ایران در این سازمان آثار مثبتی بر وجوه امنیتی، سیاسی و اقتصادی کشور خواهد داشت و ضمن جذب تکنولوژی و سرمایه خارجی از سازوکارهای حل و فصل اختلافات پیش بینی شده در اساسنامه این سازمان

اختلافات خود را در زمینه های مرزی اقتصادی و زیست محیطی با همسایگان حل و فصل نموده و با برخورداری از مزایای اصل دولت کامله الوداد به بازارهای جهانی دست خواهد یافت جمهوری اسلامی ایران در این زمینه با اصلاح نسبی مقررات صادرات و واردات و تعرفه های گمرکی کاهش برخی محدودیتهای وارداتی کاهش کنترلهای شدید در زمینه های انتقالات ارز و همچنین توسعه ی بازرگانی خارجی به ویژه با کشورهای اروپایی و آسیای مرکزی و قفقاز و چین و ژاپن شرایط ورود ایران به سازمان تجارت جهانی بیش از گذشته فراهم شده است. (ازغندی، همان، ص ۴۰-۳۹)

با پذیرش درخواست عضویت ناظر ایران در سازمان جهانی تجارت این موضوع در داخل کشور با جدیت بیشتری دنبال شده است. نگرش عقلایی در سیاست گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر موضوع عضویت در سازمان تجارت جهانی است. زیرا اولاً وارد مهمترین نهاد تجارت جهانی شده و در آینده نزدیک با حدود ۱۷۲ کشور جهان ارتباط قاعده مند اقتصادی و تجاری برقرار میکنیم ثانیاً محل و مکان مطمئنی برای دسترسی به بازار دیگر کشورها و توسعه ی صادرات خود می یابیم : م ثالثاً با گزینش صنایع خاص و حمایت هدفمند از آنها ضمن استفاده از نیروهای اقتصاد بین الملل می توان زمینه ارتقای توان و توسعه صادرات را فراهم کرد از همه مهمتر اقتصاد کشور را با جریان جهانی شدن اقتصاد که نقش اصلی را در برنامه ی توسعه همه کشورها ایفاء میکند پیوند میدهد تا توان رقابت و حیات در دوران جهانی شدن را داشته باشد. (امید بخش، ۱۳۸۱، ص ۴۲)

نکته اساسی در پیوستن به سازمان تجارت جهانی که از شروط اولیه محسوب میگردد برنامه ریاضت اقتصادی یعنی کاهش شدید هزینه های دولت برای جبران کسری بودجه میباشد همچنین این شکل تعدیل مستلزم از میان برداشتن کنترل قیمتتها و آزاد گذاشتن دست نیروهای بازار برای بالا بردن سطح کارایی اقتصادی است. یکی از گامهای اساسی که در زمینه تسهیل فرآیند الحاق جمهوری اسلامی ایران به سازمان جهانی تجارت برداشته شده و تدوین و تصویب سند فرا بخشی الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت است سند فربا بخشی الحاق به سازمان جهانی تجارت از جمله اسناد بخشی و فربا بخشی برنامه چهارم توسعه در حوزه وظایف وزارت بازرگانی میباشد که از سوی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور در مهر ماه سال ۱۳۸۵ برای اجرا ابلاغ شده

است. بنا به اعلام سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور اسناد ملی توسعه بخشی و فرابخشی محصول و نتیجه تلاش گسترده تمام دستگاههای ستادی و اجرایی کشور است که پس از بررسی های کارشناسی در سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور به شکل کنونی در آمده و برای اجرا ابلاغ شده است. در جریان تدوین لایحه برنامه چهارم توسعه، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور در سال ۱۳۸۳ با همکاری شورای اقتصاد مسئولیت تدوین سند فرابخشی الحاق به سازمان جهانی تجارت را به وزارت بازرگانی واگذار کرد و وزارتخانه های امور اقتصادی و دارایی، صنایع و معادن و نیز اتاق بازرگانی صنایع و معادن، بانک مرکزی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی را به عنوان دستگاه های همکار در تدوین اولیه این سند تعیین کرد. مهم ترین و در عین حال سخت ترین زمان درباره موضوع فرایند الحاق و مذاکرات آن رفع مغایرت های احتمالی است برای این که یک کشور از جمله ایران عضو سازمان جهانی تجارت شود باید تمام مقررات موجود در موافقتنامه های آن سازمان را بپذیرد و آنها را به قوانین و مقررات داخلی خود تبدیل کند از سوی دیگر بر اساس اصول حقوق بین الملل نباید هیچ گونه مغایرتی میان قوانین و مقررات داخلی با تعهدات بین الملل یک کشور وجود داشته باشد. بنابراین در صورتی که میان مقررات موافقتنامه های سازمان جهانی تجارت با مقررات موجود در یادداشت رژیم تجاری ایران مغایرتی وجود داشته باشد باید برای تحقق عضویت، رسمی این مغایرتها بر طرف شود (روزنامه، ایران، ۱۳۸۵/۱/۱۵، ص ۸)

در سند راهبردی توسعه که توسط دولت نهم ارایه شد برای الحاق به WTO نکات ذیل مورد تأکید واقع شده است: عدم اجازه به شرکتهای خارجی جهت ایجاد انحصار در بازار داخلی کنترل ورود سرمایه گذاری خارجی و هدایت آن در راستای اهداف توسعه ی، بخشی اخذ سهم منطقی از بازارهای جهانی با هدف توسعه صادرات و ورود کالا به کشور متناسب با توان رقابت پذیری تولیدات داخلی سند راهبردی توسعه صنعتی کشور ۱۳۸۵ سهم ایران در بعد تجارت منطقه ایی و جهانی چگونه میباشد؟ آمار و ارقام گویای آن است که سهم ایران در تجارت جهانی در سالهای اخیر به شدت کاهش یافته است آمارهای سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۱۲ حاکی از این است که: مجموعه صادرات جهانی کالا و خدمات در سال ۲۰۱۲ بالغ بر ۸/۲۲ هزار میلیارد دلار با سهم تقریبی ۸۱ درصد کالا و ۱۹ درصد خدمات بوده است. همچنین محصولات کشاورزی، ۹ درصد سوخت

۱۸ درصد مواد معدنی ۴ درصد و محصولات صنعتی ساخته شده ۶۲ درصد جمعاً بالغ بر ۴/۱۸ هزار میلیارد دلار و خدمات جمعاً ۴/۴ هزار میلیارد دلار بوده است. متوسط نرخ رشد سالانه صادرات طی سالهای ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ بالغ بر ۳/۸ درصد و برای صادرات محصولات صنعتی ۷/۶ درصد بوده است که علت سهم کمتر کالاهای صنعتی به دلیل افزایش شدید قیمت نفت و سوخت و مواد معدنی در سطح جهان می باشد. همانگونه که آمارها نشان میدهد ایران همچنان با استانداردهای جهانی تجارت بسیار فاصله دارد و این وضعیت ضرورت برداشتن گامهای اساسی در سیاست گذاری اقتصادی و تجارت خارجی را دو چندان مینماید (www.egfi.org, ۲۰۱۴)

۲-۵-۱- سیاست گذاری خارجی ایران و جهانی شدن اقتصاد

سیاست گذاری یکی از متغیرهای مهم در تبیین منافع ملی است و متغیرهای دیگری مانند ترکیب و نظام فکری نخبگان سیاسی، ساختار تصمیم گیری و نیز نظام دیوان سالاری در تبیین آن نقش بنیانی دارند بررسیها نشان می دهد که کیفیت فرآیند تصمیم گیری نقش تعیین کننده در فرآیند سیاست گذاری خارجی دارد؛ برای مثال احزاب سیاسی، گروه های ذی نفوذ، رسانه های مستقل و افکار عمومی در نظامهای کثرت گرا بیش از نظامهای متمرکز در فرآیند سیاست گذاری خارجی مؤثرند. سیاست گذاری دولت در سیاست خارجی سه دسته مسائل را در بر میگیرد - کنشگران شامل نهادهای حکومتی شامل وزارت امور خارجه و سایر نهادهای تصمیم گیر - فرآیند دیپلماسی - دستور کار که شامل دو مقوله سنتی و جدید می باشد. مقوله اول امور امنیتی مرزی و دفاعی میباشد دستور کار جدید شامل مباحث گسترده تری می شود که شامل امور امنیتی در عصر جهانی شدن که عمدتاً امور غیر مرزی و امور غیر نظامی مانند امور اقتصادی و مباحث تخصصی مانند زیست محیطی، قاچاق مواد مخدر را در بر میگیرد سیاست گذاری عمومی از یک منظر دارای چهار اصل یا فعالیت اساسی میباشد فعالیت، استخراجی فعالیت، توزیعی فعالیت، تنظیمی و فعالیت نمادین. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۴، ص ۲۴)

فعالیت یا توانایی استخراجی به مفهوم استخراج منابع پول کالا و اشخاص و خدمات از محیط داخلی و بین المللی میباشد. در فعالیت استخراجی، شیوه استخراج منابع اهمیت خاصی دارد. اینکه نظام از طریق روشهای دموکراتیک و مشارکت همه جانبه و یا بر عکس از شیوه های زور و سرکوب به توسعه اقتصادی و اجتماعی مطلوب برسد بیانگر نحوه استخراج منابع میباشد تأکید بر اصل فعالیت استخراجی در سیاست گذاری از یک سو و آثار جهانی شدن اقتصاد از سوی دیگر، بیانگر رابطه عمیق و همه جانبه سیاست گذاری به ویژه سیاست گذاری خارجی و جهانی شدن اقتصاد است. آن هم در عصری که حجم عمده ای از مؤلفه های قدرت در سطح ملی و بین المللی در چارچوب اقتصادی ظاهر میگردد و عوامل تأثیر گذار بر تعامل دولت و نظام جهانی عمدتاً متأثر از ابعاد اقتصادی، تجاری سرمایه گذاری و تولید در نظام اقتصاد سیاسی بین المللی می باشند. همچنین گسترش وابستگی متقابل نشانگر تغییر ماهیت سیاست جهانی است. به این معنا که جایگاه و قدرت دولتها به عنوان اصلی ترین عنصر تحلیل در سیاست خارجی تغییر کرده است دلایل این تغییر جایگاه دولت به واسطه ویژگی اصلی جهانی شدن در ارتباط با محیط سیاست خارجی است که با دو مشخصه پیچیدگی و آشفتگی همراه است. پیچیدگی ناشی از تکثیر عوامل مختلف در سطوح گوناگون روابط بین الملل میباشد. کثرت نیروها، کثرت بازیگران، کثرت ساختارها، کثرت در ماهیت و نوع روابط بیانگر پیچیدگی میباشد آشفتگی در جستجوی مطالعه رفتارهای غیر تکراری و غیرقابل پیش بینی است. آشفتگی مسائل را در قالب رفتار عمومی پیچیدگی عنوان می کند. آشفتگی و پیچیدگی در مطالعه سیاست خارجی به شناسایی متغیرها بررسی وزن نسبی متغیرها چگونگی روابط بین آنها مطالعه اثر گذاری و اثر پذیری تعداد کثیری از متغیرها بر یکدیگر میباشد با در نظر گرفتن این امر که هر یک از محورهای فوق میتوانند به طور دایم در حال تحول و دگرگونی باشند. (اخوان زنجانی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۶-۱۵۵)

این دو خصوصیت مستلزم توجه سیاست گذاران یک کشور به محیط بیرونی در اتخاذ سیاست خارجی میباشد. بنابراین مطالعه در مورد جهانی شدن اقتصاد که در چارچوب رهیافت اقتصاد سیاسی مورد بررسی قرار می گیرد از یک جهت عوامل مؤثر ملی و بین المللی تأثیرگذار بر تدوین و اجرای سیاست خارجی را معرفی می کند. از جهت دیگر راه را برای مورد ملاحظه قرار دادن تمامی تحولات و تغییرات ساختاری در نظام اقتصاد

جهانی که میتوانند فرآیند سیاست خارجی را تحت تأثیر قرار دهند، باز میگذارد این مهم با توجه به فشارهای سیاسی و اقتصادی داخلی و خارجی نمود بیشتری پیدا می کند. در جریان سیاست گذاری خارجی برخلاف سیاست داخلی و اقتدار نسبی لازم جهت تصمیم گیری استراتژی های دولت ها تحت تأثیر نظام بین الملل تهدیدات فشارهای نظامی اقتصادی، سیاسی فرهنگی و نیز مقتضیات داخلی و اوضاع ژئوپولیتیک شکل می گیرد بر این اساس در تنظیم و اجرای سیاست خارجی نهادها و عوامل تصمیم گیرنده واحدهای سیاسی

۶- ششمین موضوع از دست رفتن فرصتهای تجاری زودگذر است. عصر جهانی شدن عصر سرعت در انجام امور و استفاده از فرصتهای زودگذر است عدم حضور در بازارهای جهانی و عدم بهره گیری از قواعد استانداردها و روشهای نوین در زمینه ی اطلاع یابی و اطلاع رسانی بازاریابی و تجارت الکترونیکی به مفهوم آن است که فرصتهای تجاری زودگذر ولو آنکه در کالاها و خدمات مورد نظر از مزیت رقابتی برخوردار باشیم از دست خواهد رفت. آخرین نکته مسأله درونگرا شدن اقتصاد کشور است که با استراتژی جایگزینی واردات منطبق است و لازم است که به رویکرد استراتژی توسعه صادرات به عنوان پیش زمینه جهانی شدن مبادرت ورزید. مجموعه ی عوامل فوق باعث گردیده است تا اقتصاد کشور هر چه بیشتر به سوی درونگرایی سوق یافته و به همین نسبت از حضور در مجامع و موافقتنامه های اقتصادی بین المللی که دارای تبعات اقتصادی و تجاری خاص خود برای ایران هستند بر کنار بماند.

توجه به عوامل فوق و در دستور کار قرار دادن آنها در سیاست گذاری موجب تحرک و پویایی نظام اقتصادی گشته و آثار آن در فعالیت های اقتصادی خارجی پدیدار می گردد تحرک و پویایی و انعطاف لازمه یک سیاست گذاری خارجی میباشد. سیاست گذاری همچنین نیازمند امکانات و ابزارهای متعدد و متکثر میباشد در فرآیند سیاست گذاری اجرای تصمیمات اتخاذ شده باید از حالت شبکه های انعطاف پذیر پویا و کوچک برخوردار باشند شبکه های انعطاف پذیر باید از تحرک و استقلال لازم برخوردار باشند و بتوانند بر حسب شرایط و نیاز روابطی را برقرار و در صورت لزوم آنها را کنار بگذارند. شبکه ها باید با طراحی و ایجاد ساختاری موقت یا دائمی از وضعیت موجود بهترین بهره برداری را کنند. بدین ترتیب در شرایطی که جهانی شدن اقتصاد و آزادیهای وضع شده در تجارت جهانی شرایط داخلی و خارجی کل واحدهای سیاسی بین المللی را تحت

الشعاع قرارداد داده است، بازنگری در رویکردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران یک امر ضروری است. یک سیاست خارجی که نگرش اقتصادی داشته باشد و بتواند موانع تجاری و سیاستهای تجاری را یکی از ارکان ملاحظات خود قرار دهد. (فاخری ۱۳۷۹، ص ۵۷۶)

در راستای تحول در ساختار اقتصادی کشور طی دو دهه اخیر و تلاش در جهت رفع مشکلات و چالش هایی که ایران از روند جهانی شدن دور میکند دولت جمهوری اسلامی ایران در سیاست داخلی و خارجی خود عوامل اقتصادی را مورد توجه قرار داده است و به تلاشهایی در زمینه جذب سرمایه خارجی وارد کردن کشورهای دیگر به فعالیت سرمایه ای و فنی در ایران، کسب اعتبار بین المللی ابزار علاقه به گسترش روابط فرهنگی و تمدنی بین دول انتقال گسترده ی تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات و تلاش جهت عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی دست زده است.

۶-۱- تبیین جایگاه منابع حقوق بین الملل در حقوق تجارت فراملی

با گسترش روزافزون حجم و ارزش معاملات تجاری فراملی و نیز توسعه بازارهای جهانی بعد از جنگ جهانی دوم، نیاز تجار به بهره مندی از قواعدی که پاسخ گوی انتظارات جدیدتر جامعه تجار باشد، افزایش یافته است. یکی از ضروریات مهم تعامل میان تاجران کشورهای مختلف در بازارهای جهانی آن است که تجارت بین الملل به وسیله ی مجموعه قواعد یکسانی تنظیم گردد که امروزه با عنوان حقوق تجارت فراملی در معنای مقتضی شناخته می شود. از همین روی میتوان گفت که جهانی شدن، اقتصاد، ضرورت یکسان سازی در حقوق حاکم بر تعاملات تجاری فراملی را نمایان ساخته و متعاقباً موجب رواج روشهای متعددی برای متحدالشکل سازی حقوقی شده است. به موازات این ضرورت در دهه های اخیر شاهد تلاش مستمر نهادهای دولتی و غیردولتی برای از میان برداشتن موانع ناشی از تعارض قوانین جهت نیل به آرمان وحدت حقوقی در عرصه بین المللی هستیم که عمدتاً فرآیند یکسان سازی را از طریق کنوانسیونهای بین المللی قوانین، نمونه اصول، راهنما قراردادهای استاندارد و ... دنبال می کنند. باید توجه داشت که وحدت و هماهنگی قواعد حقوق تجارت غایت مطلوبی است که با افزایش امنیت و ثبات حقوقی در روابط تجاری تکامل هر چه بیشتر حقوق تجارت فراملی

را میسر می سازد. چنانچه در مباحث گذشته نیز اشاره شد حقوق تجارت فراملی در تمام ادوار حیات خویش به ویژه در عصر مدرن و پست مدرن توسعه یافته است و از منابع حقوق بین الملل نظیر اصول کلی حقوقی، کنوانسیونهای بین المللی، مصوبات سازمانهای بین المللی و حقوق نرم، بهره برده است. منابع ذکر شده که نقطه اشتراک این دو سیستم حقوقی محسوب میشوند امکاناتی را در اختیار حقوق تجارت فراملی قرار داده اند و با تدوین، بین المللی سازی"، "تعدیل، توسعه" و هماهنگ سازی، موجبات تحول و تکامل نظام حقوق تجارت فراملی را فراهم نموده اند. عناوین مذکور همگی عناصر برنامه ای منسجم برای حمایت از معاملات اقتصادی با ساختاری قانونمند هستند؛ این اقدامات نمونه تلاشهای متعددی است که در کلیه کشورهای دنیا، سازمان های منطقه ای و آژانسهایی نظیر آندوریت و آنسیترا ل به هدف متحد ساختن " حقوق تجارت در سطح جهانی و همچنین نوسازی آن صورت گرفته است. یکسان سازی یا متحدالشکل سازی در حقوق تجارت فراملی به معنای متحد کردن اصول، عرفها و رویه های متداول در تعاملات تجاری فرامرزی است تا با اعمال مقررات واحد بر معاملات تجاری امنیت و ثبات حقوقی در عرصه تجارت فراملی تضمین گردد (جلالی، شکوری ۱۳۹۲، ص ۱۵۲)

هدف از متحدالشکل سازی هنجارهای فراملی، جهانی سازی حقوق تجارت و دستیابی به نظامی واحد در این حوزه است اما در عمل و با توجه به واقعیات کنونی جامعه جهانی نیل به این آرمان همواره با مشکلاتی مواجه بوده است تا مدتها دولت ها در قبال پذیرش قانونگذاری فراملی مقاومت میکردند و آن را تهدیدی علیه قدرت حاکمیت خود می دانستند؛ حال آن که امروزه، با تحول در مفهوم حاکمیت دولتی متحدالشکل سازی قواعد حقوقی اتحادی ارزشمند و لازمه ی شرایط جدید، قلمداد می شود. وانگهی، اگرچه فرآیند متحدالشکل سازی حقوق تجارت فراملی از چندی پیش آغاز شده است، منتها نظر به وضعیت کنونی جامعه بین المللی هنوز به طور کامل محقق نشده است و تا حدود زیادی پذیرش یک استاندارد حقوقی مشترک برای معاملات تجاری در سطح محدودتر بین المللی" و " نه "جهانی" تحقق یافته است. متحدالشکل سازی مقررات تجاری در سطح فراملی میتواند از طریق انعقاد معاهدات بین المللی" و یا از طریق پذیرش داوطلبانه برخی مقررات از سوی بازیگران تجاری انجام پذیرد (جلالی، شکوری، ۱۳۹۲، ص ۱۵۲).

برخی از قوانین متحدالشکل، مانند کنوانسیونهای حمل و نقل دریای بروکسل (۱۹۲۴) و هامبورگ (۱۹۸۷)، با هدف وضع قواعد "ماهوی" تنظیم شده باشند؛ و یا مانند کنوانسیون مربوط به تعارض قوانین در زمینه برات وسفته (۱۹۳۰) با وضع قواعد "مادی" حل تعارض به صورت یکسان سعی در تبیین قطعی نظام حقوقی حاکم بر موضوع داشته باشند. باید اذعان داشت که اکثر نمونه های موفق هماهنگ سازی مدرن در حوزه تجارت و بازرگانی بین المللی حاصل کار حقوقدانان و قانون گذاران نیست بلکه نتیجه ی قانون گذاری خصوصی است که از طریق قرارداد و عرف در سطح جهانی مورد قبول واقع شده و صرفا راه خود را در حقوق بین الملل یافته است .

عرفها و رویه های متحدالشکل در خصوص اعتبارات اسنادی که توسط اتاق بازرگانی بین المللی منتشر شده، مثال خوبی در این زمینه است. نوسازی قواعد، تجاری که به عنوان یکی از اهداف اساسی آنسیترا ل در اساسنامه آن قید شده است، تضمین کننده پویایی و روز آمد بودن لکس مرکاتوریا در عصر حاضر و جلوگیری از افول آن است پر واضح است که با توسعه تجارت بین الملل بعد از انقلاب صنعتی فعالیتهای تجاری در فراسوی مرزهای ملی با شتاب بیشتری در حال جهانی شدن و در نوردیدن مرزهای جغرافیایی و سیاسی هستند در این فضا حقوق تجارت زمانی میتواند در تنظیم این روابط و تضمین حاکمیت قانون در عرصه تجارت فراملی موفق باشد و به وصف "حقوق خوب" متصف گردد که از این روند پرشتاب عقب نماند و همگام با آن پیش برود بر این اساس، لازم است تا مقررات حقوقی تنظیم کننده تجارت فراملی در راستای تطابق با مقتضیات جامعه تجار بین المللی به صورت منظم به روز رسانی شوند نوسازی حقوق تجارت فراملی عمدتا از چند طریق صورت میگیرد که عبارتند از: اصلاح قانون موجود و خارج کردن مدل قدیمی برای تطابق با الزامات جدید؛ و طراحی مدلهای جدید و انتخاب راهکارهای جدید و هماهنگ با شرایط تجاری بین المللی.

نتیجه گیری

جهانی شدن پدیده ای پیچیده و چند بعدی است که به عنوان فرآیندی از تحول توصیف می شود که با کم رنگ کردن مرزهای سیاسی و اقتصادی حوزه های مختلف را بهم نزدیک کرده تعاملات میان آنها را افزایش داده و منجر به وابستگی متقابل شده است. حقوق بین الملل به عنوان حقوق حاکم بر جامعه بین المللی یکی از حوزه هایی است که تحت تاثیر جنبش جهانی شدن، متحول شده و توسعه یافته است. ظهور و ازدیاد بازیگران جدید و گسترش منابع حقوق بین الملل منجر به بسط و توسعه ی قلمرو حقوق بین الملل و در نتیجه نزدیکی به حوزه های حقوقی دیگر مانند حقوق تجارت فراملی شده است.

حقوق تجارت فراملی به عنوان یک نظام در حال نضج در کنار نظام حقوق داخلی و بین المللی، تحت تاثیر جریان سریع و بی وقفه ی جهانی شدن قرار گرفته و به سمت بین المللی شدن در حال پیش رفتن است. این نظام حقوقی نوظهور در تمام ادوار حیات خویش به ویژه در عصر مدرن و پست مدرن از ظرفیتهای حقوق بین الملل در مسیر تکاملی خویش بهره برده است. به عبارت دیگر، بازیگران دولتی و غیردولتی حقوق بین الملل با بهره گیری از منابع حقوق بین الملل نظیر کنوانسیونهای بین المللی اصول کلی حقوقی و همچنین حقوق نرم، به تدوین، بین المللی سازی، تعدیل، توسعه، هماهنگ سازی و نوسازی هنجارهای تجارت فراملی، پرداخته و بدین طریق موجبات تحول و تکامل نظام نوپای حقوق تجارت فراملی را فراهم نموده اند.

حقوق تجاری، فراملی تحت تاثیر تحولات حاصل از جهانی شدن حقوق بین الملل قرار گرفته است و در حال تغییر از نظام های حقوق ملی به سمت حقوق فراملی میباشد این پروسه همان فرآیند جهانی یا فراملی شدن حقوق بازرگانی است که به علت ساختار حاکمیتی حقوق بین الملل هنوز به طور کامل محقق نشده و در حال حاضر در مرحله ی بین المللی شدن است. بین المللی شدن حقوق حاکم برای مناسبات تجاری فرامرزی که

در این برهه زمانی در حال وقوع است، در امتداد فرآیند فراملی سازی حقوق تجارت بوده و مقدم بر آن است. امروزه بازیگران حقوق بین الملل با بهره گیری از منابع حقوق بین الملل از طریق، تدوین یکسان سازی و بین المللی سازی قواعد تجاری، حقوق تجارت فراملی را متاثر کرده و موجبات تحول و تکامل آن را فراهم آورده اند.

منابع

الف) منابع فارسی

- ۱- ازغندی، علیرضا، (۱۳۸۱)، جهانی شدن و سیاستهای اقتصادی ایران در هماهنگی با آن فصلنامه سیاسی و بین المللی شماره
- ۲- اخوان زنجانی، داریوش، (۱۳۸۱)، جهانی شدن و سیاست خارجی، تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
- ۳- اخوان، کاظمی بهرام، (۱۳۸۴)، جمهوری اسلامی و چالش کارآمدی فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال اول، ش ۱
- ۴- اشرافی داریوش، اسلامی رضا (۱۳۹۶) نقش سازمانهای بین المللی در جهانی شدن اقتصاد و تاثیر آن بر حاکمیت ملی فصلنامه تحقیقات حقوق تطبیقی ایران و بین الملل، ۱۰ (۳۵): ۲۵-۱
- ۵- اشمیتوف کلایو. ام. (۱۹۹۰) حقوق تجارت بین الملل ترجمه بهروز، اخلاقی، فرهاد امام، سیدمحمد اسبقی نمینی، محمود باقری، امیرحسین طیبی فرد، اسماعیل همت دوست؛ زیر نظر بهروز اخلاقی؛ ویراسته صفر بیگ زاده ۱۳۹۶ جلد دوم تهران، سمت، چاپ ششم
- ۶- امید، بخش، اسفندیار، (۱۳۸۲) ایران والحاق به سازمان تجارت جهانی فصلنامه راهبرد، شماره ۲۷
- ۷- جلالی، محمود، شکوری معصومه (۱۳۹۲) روند متحد الشکل سازی حقوق قراردادها در سطح بین المللی پژوهش حقوق خصوصی، ۳ (۱): ۱۷۷-۱۵۱
- ۸- جوان، فرهاد، (۱۳۸۱) سیاست توسعه صادرات و ارتباط آن با پیوستن به سازمان جهانی بازرگانی، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۸۰-۱۷۹
- ۹- دادگر یداله (۱۳۸۰)، چارچوب تحلیلی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ترجمه علیرضا طیب، تهران نشر نی

۱۰- رجائی، فرهنگ (۱۳۸۰) پدیده جهانی شدن وضعیت بشری و تمدن اطلاعات، تهران، نشر آگاه،

چاپ دوم

۱۱- روزنامه ایران مورخ ۱۳۸۵/۱/۱۵ ۱۳۸۵/۱۲/۱ ش ۳۵۷۶

۱۲- سعیدی، رحمان (۱۳۸۵) جهانی شدن اقتصاد رشد آموزش علوم اجتماعی، ۴ (۹): ۴۵-۴۰-۲۴.

۱۳- شهابی، مهدی رحمتی، فرمانه (۱۳۹۲). تحول روند ایجاد قاعده حقوقی در عصر جهانی شدن

حقوق، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، ۴ (۱۳): ۱۲۸-۱۰۴

۱۴- طباطبایی، یزدی، رویامافی، (۱۳۸۶) چالش‌های اقتصادی ایران و جهانی شدن معاونت

پژوهش‌های اقتصادی کدگزارش ۲۰۰۴-۸۶-۲۹

۱۵- فاخری، مهدی، (۱۳۷۹) جهانی شدن و سیاست خارجی فصلنامه سیاست خارجی سال ۱۴

۱۶- میر محمدی، داوود. (۱۳۸۱) جهانی شدن ابعاد و رویکردها، فصلنامه مطالعات ملی، ۱۱ (۳):

۵۹-۸۴

۱۷- قدیری نژاد، سیده عاطفه، (۱۳۹۷)، تاثیر تحولات نظام حقوق بین الملل بر حقوق تجارت فراملی،

مازنداران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران

۱۸- قاسم زاده، سیده شیوا، (۱۳۹۳)، جهانی شدن اقتصاد، فرصت‌ها و چالش‌ها با نگاهی به جمهوری

اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد گرایش روابط بین الملل، پردیس دانشگاهی

ب) منابع لاتین

۱- Berger, K.P. (1999). *The Creeping Codification of the Lex Mercatoria*, The Hague, London, Boston

۲- Cuterela, S. (2012). *Globalization: Definition, Processes and Concepts*, Romanian Statistical Review, 60(4): 137-146 102.

۳- Delmas-Marty, M. (2003). *Global law-A Triple Challenge*, Naomi Norberg, 1st ed, USA: Transnational publishers

۴- Haelg, F., Gygli, S., Sturm, J. (2018). *The KOF Globalization Index - Revisited*, KOF Working Papers, KOF Swiss Economic Institute, ETH Zurich, No. 439, available at: <http://www.kof.ethz.ch/globalisation/>

۵- Saputelli, G. (2018). *The European Union, the Member States, and the Lex Mercatoria*, Notre Dame Journal of International and Comparative Law, 2 (8): 1-14

۶- Sterio, M (2008). *The Evolution of International Law*, Int'l & Comp. L.Rev, 213: 213-۲۵۶

۷- Rosett, A. (1992). *Unification, Harmonization, Restatement, Codification, and Reform in International Commercial Law*, J. Comp. L. 40: 683-697

ج) وب سایتها

۸- Wang, G. (2004). *The Impact of Globalization on State Sovereignty*, Chinese Journal of International Law, Martinus Nijhoff, 3:473-484 <http://www.egfi.org> 8/17/2014

۹- <http://www.WTO.org>, 2012, world Tread Report, E